

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

برگردان از: فرزانه صفائی
فرستنده: عزیز نعیمی
۲۰ اکتوبر ۲۰۱۴

چرا به خدا اعتقاد ندارم (بخش دوم)



ریکی جارویس (Ricky Gervais)

آیا خدائی هست؟

روزنامه وال استریت که در واقع روزنامه سرمایه‌داران امریکائی است در ستون مطالب متفرقه خود مطلبی از کم‌دین معروف انگلیس، ریکی جرویس علیه وجود خدا منتشر کرد و سپس از خوانندگان خود خواست که سؤالاتی از ریکی جرویس بکنند. در متن زیر سؤال و جواب‌ها را می‌خوانید.

-سؤال شما نوشته‌اید: «علم همیشه در جست‌وجوی حقیقت است و تماماً فروتنی است. آنچه را که می‌داند، می‌داند و می‌داند آنچه را که نمی‌داند». در واقع، تفکر علمی غالب گهگاه نادرست هم بوده است و به‌طور مداوم در حال تجدیدنظر و تغییر خود است. پس شما چگونه می‌توانید مطمئن باشید که علم از باور شما بر عدم وجود خدا پشتیبانی می‌کند؟

ریکی جرویس: علم خود را درگیر اثبات عدم وجود چیزی نمی‌کند. جدول تناوبی چیزهای خیالی، برای یک کلاس درس زیادی بزرگ است، بی‌نهایت بزرگ و در حقیقت، حتا بی‌هوده. علم برای اثبات وجود ماوراءالطبیعه هم تلاشی نمی‌کند.

چیزی که می‌داند این است که تا به امروز گواهی علمی برای چیزی ماورای طبیعت وجود ندارد. وقتی کسی ایده وجود خدا را مطرح می‌کند باید بتواند آن را تست کند. اگر شواهدی مبنی بر «خدائیت» پیدا کرد باید در پی گواه‌های دیگر باشد که تا جای ممکن بیشتر دریابد و به درک بهتری برسد.

این که علم می‌گوید: «نمی‌دانیم» دقیقاً نکته‌ای است که می‌خواهم به آن اشاره کنم. روش علم این نیست که با یک مشت نتایج دلخواه شروع کند و بعد به توجیه و تصدیق آن‌ها بپردازد. بلکه گواه و شواهد را دنبال می‌کند. در واقع در پی اثبات خطای خودش است و اگر نتوانست خطای آن را ثابت کند، نتایج به دست آمده را صحیح می‌شمارد. خرافات، مذهب و باور کورکورانه شواهد را دست‌چین کرده و نتایج را با تغییر دادن اهداف (برای رسیدن به هدف مطلوب خود) توجیه می‌کند. سرپوش گذاشتن و پنهان‌کاری در علم نیست. کار علم این است که سر از نادانسته‌ها در آورد و کاری ندارد که یافته‌هایش نیک است یا پلید. چنین معیارهای اخلاقی ندارد و این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها را به جامعه واگذار می‌کند. داروهای شفابخش را کشف و استفاده از آن‌ها را به عهده شما می‌گذارد. کشف می‌کند که شکافتن هسته اتم انرژی عظیمی را در زمان بسیار کم آزاد می‌کند و بهره گرفتن یا نگرفتن از آن را به عهده دولت‌ها می‌گذارد. چه، چرا و چگونه را در می‌یابد. برای من نگران‌کننده است که بعضی از خداترسان بر این باورند که بدون وجود خدا دلیلی برای خوبی و خوب بودن نیست. واقعاً؟! نیست.

- آیا این تصور که خدا به نحوی در پیدایش این جهان نقش داشته خیلی معقول‌تر به نظر نمی‌رسد از باور به این که شکلی از ماده همیشه وجود داشته است و یا این که ماده به یکباره ظاهر شد و خود به خود به وجود آمد؟

سؤال در واقع این است که آیا باورکردنی‌تر نیست که جهان شناخته‌شده و انسان در عرض شش روز توسط موجودی ماوراءالطبیعه آفریده شده است و نه از انفجار عظیم ماده که منبسط شد و به تدریج، در طول چهارده میلیارد سال به جهانی بدل شد که سراسر زیبایی است؟

نه باورکردنی‌تر نیست. اگر نمی‌دانی چه چیز باعث ایجاد جهان بوده، ساده‌انگارانه است گفتن این که پس خدائی باید آن را ساخته باشد. آن وقت باید پرسید: پس خدا را که آفرید؟ اگر مایلید بگوئید که خدا همیشه وجود داشته، می‌توان گفت که جهان هم همواره بوده است. این طوری در وقت هم صرف جوئی می‌شود. مگر نه؟ راستی خدا چند وقت صبر کرد تا جهان را خلق کند؟ و آن وقت کجا بود؟ آیا جهان همان‌طور که انتظارش را داشت از آب در آمد؟ اگر می‌خواست دنیای دیگری بسازد با دنیای الان فرقی می‌کرد؟ کجا قرارش می‌داد؟

- آیا علم دارای دستور کار هدفمندی است؟

بله.

- آیا از علم برای توجیه برده‌داری، نسل‌کشی و مطیع سازی زنان استفاده نشده است؟ چرا باید به علم اعتماد کرد؟

چه موقع علم برده‌داری، نسل‌کشی و مطیع سازی زنان را توجیه کرد؟

انسان‌های بد هم بین کسانی که به خدا باور دارند و هم در میان خدا ناباوران وجود دارند. اما هیچ‌یک نمی‌توانند مدعی پشتیبانی علم از عملکرد خود باشند. واقعاً نمی‌دانم چه کسی هر کجا که می‌رود می‌گوید که علم این‌ها را تأیید می‌کند. به هیچ عنوان این‌طور نیست و هر که این را می‌گوید علم را بدنام می‌کند. حتی بسیاری از تئوری‌ها تلاش می‌کنند از علم برای خود تأییدیه بگیرند. خیلی‌ها سعی می‌کنند مدال علم را بر سینه اعمال و روش‌های خود بزنند اما این مدال‌ها ساختگی است. حتی دین تلاش می‌کند خود را متکی بر شواهد نشان دهد اما موفق نمی‌شود. طالع بینی تلاش می‌کند بخشی از علوم به حساب بیاید ولی نیست. علم حقیقی از راه می‌رسد و در را به آن‌ها نشان می‌دهد. تنها دستور کار علم، کشف حقیقت

است. علم کشف می‌کند که چیزی حقیقی هست یا نیست. اعتقاد به حقیقی بودن چیزی صرفاً به دلیل این که شما دوست دارید و آرزو دارید که حقیقت باشد، علم نیست. ایمان است.

وودی آلن نقل‌قولی دارد که می‌گوید: «عدم وجود خدا را نمی‌توان اثبات کرد، تنها باید به آن ایمان آورد». آیا آتئیست بودن به اندازه باور داشتن به خدا غیر علمی نیست؟ آیا آگنوستیست بودن معقولانه‌تر نیست؟

- وودی آلن به طنز نکته خوبی را مطرح کرده است.

آیا آتئیست بودن به اندازه باور داشتن به خدا غیر علمی نیست؟ نه. مسلماً خیر. چطور باور نداشتن به چیزی که هیچ شواهد تجربی تأییدش نمی‌کند می‌تواند کمتر پایه علمی داشته باشد نسبت به باور به چیزی که نعتنها مورد تأیید شواهد تجربی نیست بلکه حتی خلاف قوانین گیتی است و در اغلب موارد خود را نقض می‌کند؟

یک کم‌دین چه‌ها درباره خدا می‌داند؟

- از آنجا که چیزی نیست که بشود درباره خدا دانست، پس یک کم‌دین هم همان قدر درباره‌اش می‌داند که دیگران می‌دانند. یک آتئیست در دانستن این که چیزی برای دانستن نیست تنه‌است، پس احتمالاً برتری دارد. یک کم‌دین آتئیست می‌تواند مردم را با بحث در مورد ایمان و بی‌ایمانی بخنداند. یک کم‌دین خوب آتئیست می‌تواند مخاطبان خود را با حرف زدن در مورد ایمان و بی‌ایمانی بخنداند و در عین حال به فکر عمیق وادارد. یک آگنوستیست معمولاً می‌گوید از آنجا که نه می‌توان وجودش را ثابت کرد و نه عدم وجودش را پس تنها پاسخ این سؤال که «آیا خدائی هست؟» «نمی‌دانم» است. در اصل می‌گویند این که گواهی مبنی بر وجود خدا پیدا نشده است به معنای آن نیست که خدائی وجود ندارد.

خوب، اول ما باید بدانیم تعریف این خدا چیست. بسیاری از تعریف‌ها را می‌توان به عنوان ناممکن‌های منطقی رد و حذف کرد و به همین صورت اگر کسی از شما بپرسد که آیا می‌توانی یک مربع- دایره را تصور کنی؟ بدون شک خواهی گفت «نه». بیانیید فرصت شک کردن را به آن‌ها بدهیم. بیانیید بگوئیم تعریفی از خدا ممکن است. آیا او وجود دارد؟ «من نمی‌دانم» در واقع بهترین پاسخ است، بهترین پاسخ برای خیلی سؤال‌ها البته. مثلاً آیا یک فیل درون پیکر تو نیست؟ حتی اگر نگاه کرده‌ای نمی‌توانی بگوئی: «نه». ممکن است که هنوز پیدایش نکرده باشی. لطفاً یک بار دیگر ببین که آیا فیلی آنجا هست یا نه. خدائی آن بالا هست و حتی اگر آن را پیدا نکردی ایمان بیاور که هست. هر چند ممکن است دیوانگی به نظر برسد ولی هیچ‌کس نمی‌تواند ثابت کند که شما یک فیل افریقائی دوست‌داشتنی درون خودتان ندارید.

کسانی که به خدا باور دارند گاه لحظه‌هایی از شک باور خود را تجربه می‌کنند آیا شما هم چنین تجربه‌ای در باورتان به آتئیسم داشته‌اید؟

- آتئیسم یک سیستم عقیدتی نیست. من سیستم عقیدتی دارم اما بر پایه آتئیسم و در کل وجود یا عدم وجود خدا نیست. من هیچ‌کدام از تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، اجتماعی و یا هنری‌ام را بر اساس خرافات و باور به خدا نمی‌کنم. گفتن این که آتئیسم یک سیستم عقیدتی هست مثل این است که بگوئیم به اسکی رفتن یک نوع سرگرمی است. بزرگترین سرگرمی مورد علاقه‌ام! اصلاً همیشه انجامش می‌دهم.

اما جواب سؤال شما، من مرتباً با تئوری‌های مختلف در ارتباط با خدا و فرشته‌ها و جهنم درگیر می‌شوم، هر جائی صحبتش هست. همه را رد می‌کنم مگر این که ذره‌ای قابل باور و با اعتبار به نظر بیاید. باید این کار را بکنم. نمی‌توانی به خودت دروغ بگوئی. در غیر این صورت یک فرد فریب خورده را دست انداخته‌ای. اسم این کار را که نمی‌شود برنده شدن گذاشت.